

نظری بر تفسیر شورای نگهبان

پیروامون رای عدم اعتماد

مقدمه

مستفاد از اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این است که هیأت وزیران و یا هر یک از وزراء با داشتن پشتوانه رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی می توانند انجام وظیفه کنند، این اعتماد مجلس به هیأت وزیران یا هر یک از وزراء، هم در ابتدای شروع به کار لازم است و هم در طول مدت انجام وظیفه ممکن است به مناسبتی لازم شود و هم اینکه سلب این اعتماد موجب برکناری هیأت وزیران یا وزیری از سمت خود می شود.

بنابراین رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی هم علت محدثه و هم علت مبقیه هیأت وزیران و هر یک از وزراء در منصب وزارت است. بانگاهی ابتدایی به اصول ۸۷، ۸۹ و ۱۳۶ قانون اساسی این معنی بخوبی فهمیده می شود: اصل ۸۸ مقرر می دارد: «رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.»

اصل ۱۳۶ می گوید: رئیس جمهور می تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند. اصل ۸۸

نیز که در مقام بیان چگونگی استیضاح است تکلیف می‌کند که: «هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح، باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد...» و در فرازی بعدی می‌گوید: «... اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود...»

تردیدی نیست که در ابتدای معرفی هیأت وزیران یا یکی از وزراء به مجلس شورای اسلامی، رأی مثبت ابراز اعتماد مجلس شرط است یعنی اکثریت حاضرین مجلس باید به‌طور مثبت رأی اعتماد بدهند وگرنه آن وزیر یا هیأت وزیران چون نتوانسته اعتماد مجلس را که شرط مشروعیت کار اوست بدست آورد نمی‌تواند سمت وزارت را احراز کند، این معنی هم منطقی و اصولی است و هم مورد تصریح اصول ۷۸ و ۱۳۶ قانون اساسی قرار گرفته که در هر دو اصل تعبیر شده است: «... باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد...».

اما در موردی که رأی اعتماد برای بقاء هیأت وزیران یا وزیری لازم است و به تعبیر دیگر وقتی با سلب اعتماد مجلس، هیأت وزیران یا وزیر عزل می‌شود این شبهه وجود دارد که آیا برای ادامه وزارت، ابراز اعتماد مجلس و رأی مثبت اکثریت مبنی بر اعتماد، لازم است یا اگر اکثریت، سلب اعتماد خود را اعلام نکرد وزیر در سمت خود باقی می‌ماند.

برداشت و استنباط اولیه از قانون اساسی، همواره این بوده که هر جا صحبت از رأی اعتماد مجلس به هیأت وزیران یا وزیر مطرح است منظور رأی مثبت اعتماد است که طبعاً با رأی اکثریت مبنی بر اعتماد، حاصل می‌شود. در دو مورد استیضاح از وزیر مسکن و شهرسازی و وزیر کشور نیز، که قبل از اصلاح قانون اساسی صورت گرفت با همین تلقی و برداشت وزیر مورد استیضاح، درخواست رأی اعتماد کرد و بر اساس لزوم داشتن اکثریت رأی مثبت اعتماد، رأی‌گیری شد و در هر دو مورد نیز، وزراء مورد استیضاح، اکثریت مطلق رأی مثبت اعتماد را بدست آوردند.^(۱) و مشکل خاصی از این نظر پیش نیامد.

پس از اصلاحیه قانون اساسی در شورای بازنگری سال ۱۳۶۸ برای نخستین بار وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۲۳ دیماه ۱۳۶۹ مورد استیضاح قرار گرفت، این بار هم مجلس بر اساس همان تلقی و برداشت قبلی

۱ - رجوع شود به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در تاریخهای ۱۳/۸/۶۱ ص ۳۴ مشروح مذاکرات جلسه ۳۷۰ مجلس در مورد وزیر مسکن و شهرسازی ۱۷/۸/۶۲ ص ۳۵ مشروح مذاکرات جلسه ۵۲۷ مجلس.

پس از درخواست رأی اعتماد از جانب آقای وزیر، اعلام رأی کرد و نتیجه آراء بدین صورت اعلام شد: از مجموع ۲۳۶ آراء حاضرین در جلسه ۱۱۴ رأی موافق (یعنی رأی مثبت مبنی بر اعتماد) ۱۱۵ رأی منفی (رأی عدم اعتماد) ۱۷ و رأی ممتنع می‌باشد که چون رأی مثبت اکثریت مبنی بر اعتماد حاصل نشد عزل وزیر طبق اصل ۸۹ قانون اساسی اعلام شد.

در اینجا آراء مثبت و منفی به هم نزدیک بود و هیچکدام در اکثریت مطلق یعنی نصف بعلاوه یک نبودند و آراء ممتنع سرنوشت‌ساز شدند و در واقع چون بنا بر این بود که باید رأی مثبت اعتماد وجود داشته باشد و آراء ممتنع نمی‌توانستند بحساب آراء مثبت گذاشته شوند، نتیجه برکناری وزیر بود.

در ابتداء جز اظهار تأسف از نتیجه کار به لحاظ شخصیت وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مطلب دیگری شنیده نمی‌شد. ولی پس از چند روز در محافل سیاسی و حقوقی این بحث مطرح شد که آیا وزیری که در ابتدای کار، رأی اعتماد اکثریت مجلس را بدست آورده و صلاحیتش تأیید شده پس از استیضاح و درخواست رأی اعتماد، باز هم رأی مثبت اکثریت بر اعتماد را لازم دارد یا اگر رأی اکثریت مبنی بر عدم اعتماد، به او حاصل نشد، اعتماد قبلی همچنان ادامه دارد و در سمت خود باقی می‌ماند، این بحث کم کم بطور جدی مطرح شد یکی از اساتید طی نامه‌ای به ریاست جمهوری موضوع را مستدلاً مورد بحث قرارداد (۱) و از نظر دوم دفاع کرد عده‌ای دیگر از صاحب نظران هم همین نظر را تأیید کردند و آنقدر بحث جدی شد که حتی گفته می‌شد وزیر مورد بحث همچنان قانوناً وزیر است و معرفی وزیر جدید خالی از اشکال نیست و ظاهراً برای رفع شبهه، وزیر مزبور احتیاطاً استعفای خود را اعلام داشت که مشکل قانونی در معرفی وزیر جدید پیش نیاید.

سوال ریاست جمهوری و پاسخ تفسیری شورای نگهبان:

به هر حال با توجه به این جریان وجدی بودن بحث، سئوالی از سوی ریاست جمهوری از شورای نگهبان به عمل آمد و درخواست شد که با توجه به اصول قانون اساسی مربوط به رأی اعتماد و استیضاح، و به خصوص اصل ۱۳۵ اصلاحی قانون اساسی، شورا نظر تفسیری خود را در رابطه با چگونگی رأی اعتماد یا عدم اعتماد به هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح اعلام دارد:

۱ - نامه مورخ ۲۶/۱/۶۹ آقای دکتر کاشانی به رئیس جمهور.

اینک متن سؤال که وسیله معاون اول محترم ریاست جمهوری به عمل آمده و پاسخ شورای نگهبان را نقل می‌کنیم و توضیحی پیرامون آن می‌دهیم :

شورای محترم نگهبان

همانطور که مستحضرنند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به استیضاح هیأت وزیران و هر یک از وزراء اشارت دارد .

اصل هشتاد و نهم

« ۱ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردیکه لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند . استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود . هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد . در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ ، نمایندگان مزبور در باره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتیکه مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد . »

اصل یکصد و سی و دوم

« در مدتی که اختیارات و مسوولیت‌های رئیس جمهور برعهده معاون اول یا فرد دیگری است که بموجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود . »

اصل یکصد و سی و پنجم

« وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد ، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند »
قسمت اخیر اصل هشتاد و نهم و اصول یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم « رأی عدم اعتماد » مجلس را به کار برده‌اند .
به این نکته هم باید عنایت داشت که متن کنونی اصل یکصد و سی و پنجم کلاً در بازنگری قانون اساسی تدوین و تصویب شده است ، و از لحاظ تاریخی موخر

براصل هشتاد ونهم است . با توجه به اصول یاد شده، براساس دستور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، تقاضا دارد که شورای محترم نگهبان تفسیر خود را از اصول مذکور اعلام فرمایند و معین نمایند که چنانچه هیأت وزیران یا هر یک از وزراء مورد استیضاح واقع شوند، مجلس محترم شورای اسلامی :

الف - باید به آنها رأی عدم اعتماد بدهد، بنحوی که در سه اصل هشتاد ونهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به صراحت ذکر شده است .

ب - و یا باید رأی اعتماد بدهد، همانطور که در اصل هشتاد و هفتم و یکصد و سی و سوم و یکصد و سی و ششم آمده است .

این مطلب از آن جهت مطرح می شود که بنظر می رسد، قانون اساسی هنگامی تعبیر «رأی اعتماد» را بکار می برد که مجلس در صدد است نسبت به هیأت وزیران یا وزیری که رئیس جمهور معرفی کرده است، قبل از شروع کار رسمی آنها، اعلام نظر کند .

حال آنکه تعبیر «رأی عدم اعتماد» وقتی بکار رفته است که منظور از آن اعلام نظر مجلس، پس از استیضاح هیأت وزیران یا وزیر، بوده است .

نتیجه یا ثمره بحث نیز در تعداد آراء لازم برای ابقای هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح و یا کناره گیری آنها، پس از استیضاح، ظاهر می شود. بدین معنی که اگر پس از استیضاح مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رأی اعتماد داده شود، باید نصف به اضافه یک آراء نمایندگان حاضر در مجلس به نفع وزیر (مثبت) باشد و آراء ممتنع جزء آراء مخالف محسوب گردد .

حال آنکه اگر مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح، رأی عدم اعتماد داده شود باید نصف به اضافه یک آراء نمایندگان حاضر در مجلس به ضرر وزیر (منفی) باشد و آراء ممتنع جزء آراء منفی به حساب نیاید .

معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی «

» جناب آقای دکتر حبیبی معاون اول محترم ریاست جمهوری

عطف به نامه شماره ۱۳۷۱۸۲ مورخ ۶۹/۱۲/۱۳ موضوع سؤال در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۱ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت نظر تفسیری اکثریت اعضاء شورا بشرح ذیل اعلام می گردد :

با توجه به صراحت اصل ۱۳۵ قانون اساسی مصوب شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ که ملاک کناره گذاشتن وزراء را در مورد استیضاح، رأی عدم اعتماد مجلس شورای اسلامی دانسته است و با عنایت به استصحاب اعتماد ابراز شده به وزراء از سوی مجلس در آغاز کار آنها، هیأت وزیران، یا وزیر مورد

استیضاح هنگامی عزل می‌شود که اکثریت نمایندگان رأی عدم اعتماد بدهند و صرف عدم احراز رأی اعتماد اکثریت، موجب عزل نمی‌گردد.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

سبای نظر شورای نگهبان :

برداشت اکثریت اعضای شورای نگهبان از اصول قانون اساسی مربوط به رأی اعتماد و استیضاح، با توجه به تعبیرهای متفاوتی که در اصول مذکور وجود دارد این است که اولاً- بین رأی اعتماد اولیه به وزراء و رأی اعتمادی که بعداً در اثر استیضاح، لازم است، تفاوت وجود دارد در ابتدا وزراء به مجلس معرفی می‌شوند و در معرض سنجش و ارزیابی نمایندگان قرار می‌گیرند نمایندگان مجلس باید صلاحیت آنها را تأیید و اعتماد خود را به آنها ابراز دارند طبعاً در این صورت هنگامی می‌توان گفت وزیر معرفی شده مورد اعتماد مجلس است که اکثریت مجلس به عنوان رأی اعتماد به او رأی مثبت بدهند، تعبیر اصول قانون اساسی در این مورد نیز گویای این مطلب است و شبهه‌ای وجود ندارد مثلاً اصل ۸۸ مقرر می‌دارد : «رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد . . .» و اصل ۱۳۶ می‌گوید : «رئیس جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد . . .» و اصل ۱۳۳ نیز با همان تعبیر اشعار می‌دارد : «وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند» ذیل ماده ۱۴۳ اصلاحی آئیننامه داخلی مجلس شورای اسلامی در مورد رأی اعتماد اولیه مجلس به هیأت وزیران نیز با این تعبیر آمده است : «رأی اعتماد به دولت پس از آخرین صحبت رئیس جمهور و یا فردی که او تعیین می‌کند انجام می‌شود ، مناط اعتبار رأی اعتماد اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر صاحب رأی است.» (۱)

ولی در موردی که وزیری پس از گرفتن رأی اعتماد، مورد استیضاح قرار می‌گیرد، و آنگاه باید از مجلس درخواست رأی اعتماد کند، وضعیت متفاوت است. در این مورد اولاً وزیر، یکبار رأی اعتماد مجلس را کسب کرده و در واقع تأییدیه مجلس شورای اسلامی را گرفته است. با طرح و انجام استیضاح، این اعتماد در معرض تزلزل قرار می‌گیرد، در صورتیکه اکثریت نمایندگان رأی منفی دادند یعنی اعلام عدم اعتماد کردند، طبعاً اعتماد سابق هم از بین می‌رود و وزیر

برکنار می‌شود. ولی اگر اکثریت به عدم اعتماد رأی ندادند هر چند رأی اعتماد هم در اکثریت نباشد، در اینجا با توجه به وجود اعتماد اولیه شک حاصل می‌شود که اعتماد زایل شده یا کماکان باقی است، آراء ممتنع که دلالتی بر نفی واثبات اعتماد ندارند، طبعاً نمی‌توانند اعتماد اولیه را از بین ببرند رأی عدم اعتماد هم که به اکثریت نرسیده و اعتبار ندارد بنابراین حالت اعتماد اولیه استصحاب می‌شود و وزیر در سمت خود باقی می‌ماند.

ثانیاً - در خود قانون اساسی نیز در مورد استیضاح، تعبیراتی وجود دارد که موید این معنی است و دلالت دارد بر اینکه منوط عزل وزیر رأی عدم اعتماد است نه عدم رأی اعتماد زیرا در اصل ۱۳۵ قانون اساسی تصریح شده «وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند» این اصل به خوبی و روشن می‌رساند که برای برکنار شدن وزیر در مورد استیضاح، رأی عدم اعتماد لازم است که طبعاً با رأی منفی اکثریت حاضرین در جلسه مجلس حاصل می‌شود. تعبیر اصل ۱۳۲ نیز همین معنی را تأیید می‌کند زیرا در آنجا هم برای مورد استیضاح عنوان «رأی عدم اعتماد» ذکر شده است اصل مزبور مقرر می‌دارد: در مدتی که اختیارات و مسوولیت‌های رئیس جمهور برعهده معاون اول یا فرد دیگری است که بموجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد . . .».

ایراد نشود که اگر، ملاک رأی عدم اعتماد است، پس چرا قانون اساسی تکلیف کرده که هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید درخواست رأی اعتماد کنند، زیرا منافات ندارد که وزیر مکلف باشد رأی اعتماد مجلس را بخواهد ولی ملاک برکناری او از سمت وزارت رأی عدم اعتماد اکثریت باشد.

و اگر گفته شود که در اصل ۸۹ تصریح شده: «... اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود . . .» و این مفهوم این معنی است که وزیر یا هیأت وزیران برای بقای خود نیاز به رأی اعتماد مجلس دارند که طبعاً با اکثریت رأی مثبت حاصل می‌شود پاسخ داده خواهد شد اگر فرضاً اصل ۸۹ مفهوم این معنی باشد، اصل ۱۳۵ قانون اساسی که مصوب شورای بازنگری قانون اساسی است و تاریخ آن بعد از اصل ۸۹ است و به روشنی دلالت دارد بر اینکه در مورد استیضاح، تا مجلس به وزیر رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی است، ناسخ آن خواهد بود، علاوه بر آنکه با حصول شک، استصحاب بقاء اعتماد ابراز شده اولیه به این امر کمک خواهد کرد.

تقریباً عمده استدلال و بنای نظر تفسیری اکثریت شورای نگهبان همین بود که بدان اشاره شد و چنانکه گفته شد در خارج از شورای نگهبان نیز صاحب نظرانی بر همین عقیده اند و آن را تأیید می کنند .

ولی جمعی هم نظر مخالف دارند و آن چنانکه از پاسخ شورای نگهبان برمی آید در خود آن شورا نیز اقلیت وجود داشته و نظرش با نظر اکثریت متفاوت بوده است . هر چند نظر تفسیری اکثریت شورای نگهبان فصل الخطاب بوده و لازم الاتباع می باشد ولی چون موضوع ، مطلب جدید و جالب توجهی است ، شاید خالی از فایده نباشد که برای تشحیذ اذهان مبنای نظر مخالف هم تبیین شود .

مبنای نظر طرفداران لزوم رأی اعتماد :

طرفداران این نظر معتقدند از لحن بیان قانون اساسی استفاده می شود که وزراء باید همواره اعتماد مجلس را با خود داشته باشند یعنی هیأت وزیران یا وزیری می تواند در این سمت مشروعبیت داشته باشد که مورد اعتماد مجلس باشد ، اصل ۸۷ قانون اساسی که می گوید هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و نیز در دوران تصدی در موارد مهم و مورد اختلاف می تواند از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند . کاملاً نمایانگر این معنی است . ذیل اصل ۱۳۶ نیز تأکید بر همین امر یعنی داشتن رأی اعتماد مجلس بخصوص در هنگامی که وجود آن در معرض تردید و متزلزل قرار می گیرد ، می نماید اصل مزبور بعد از آنکه مقرر می دارد پس از عزل هر وزیر برای وزیر جدید باید رأی اعتماد گرفت می گوید : « . . . و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند . » یعنی با اینکه مجلس در ابتداء به هیأت وزیران رأی اعتماد داده است و بعداً به تدریج ، تعدادی از وزیران معزول شده و بجای آنها وزرای جدیدی منصوب شده اند و برای هر یک از آنها هم جداگانه اعتماد گرفته شده است معذک اگر در این تغییرات نیمی از اعضاء هیئت دولت تغییر کرده باشند مجدداً باید مجلس به هیأت وزیران رأی اعتماد بدهد و طبعاً رأی اعتماد در اینجا منظور رأی مثبت به اعتماد هست .

در مورد استیضاح نیز از هیأت وزیران یا وزیر مربوطه خواسته شده که پس از انجام استیضاح درخواست رأی اعتماد کند یعنی با توجه به اینکه در اثر استیضاح اعتماد قبلی ابراز شده به او متزلزل شده است ، باید مجدداً رأی اعتماد مجلس

را درخواست کند و از مجلس بخواهد که به او اعتماد کند و طبیعی است که تحقق این خواسته جز با رأی اکثریت بر اعتماد، عملی نخواهد بود.

اساساً وقتی قانون تکلیف می‌کند که وزیر مورد استیضاح درخواست رأی اعتماد نماید. معنایش این است که اعتماد ابراز شده قبلی با وجود انجام استیضاح دیگر کارایی ندارد و حال از نو وزیر باید از مجلس درخواست رأی اعتماد کند بنابراین موردی برای استصحاب اعتماد قبلی وجود ندارد. تفاوتی بین درخواست رأی اعتماد برای وزیر در ابتدای امر و بعد از استیضاح دیده نمی‌شود. تعبیر و لحن عبارت قانون اساسی در هر دو مورد یکی است. در ابتدای کار و زراء نیاز به رأی اعتماد مجلس دارند در دوران تصدی نیز اگر امر سهم مورد اختلافی پیش آید می‌تواند درخواست رأی اعتماد کند و با گرفتن اعتماد از مجلس احساس داشتن پشتوانه و قدرت عمل نماید در آنجا هم که کار او را زیر سؤال برده‌اند و به استیضاحش کشیده‌اند باید ضمن پاسخگویی به موارد عنوان شده از مجلس رأی اعتماد بخواهد و این معنایش جز این نیست که با گرفتن اعتماد مجدد از مجلس اثر تزلزل ناشی از استیضاح را از بین ببرد و بکار خود ادامه دهد.

منطقی نیست که بگوئیم وزیر باید درخواست رأی اعتماد کند ولی مجلس لازم نیست رأی اعتماد بدهد بلکه همین قدر که رأی عدم اعتماد نداد رأی اعتماد قبلی استصحاب می‌شود و وزیر در سمت خود باقی می‌ماند اگر قرار بود رأی اعتماد قبلی استصحاب شود چرا ملزم است درخواست رأی اعتماد کند اگر قانون اساسی این معنی را مورد نظر داشت می‌بایست بگوید پس از انجام استیضاح و پاسخگویی وزیر مورد استیضاح در صورتیکه مجلس به او رأی عدم اعتماد داد وزیر از کاربردکنار می‌شود. همانطور که در بند ۲ اصل ۸۹ در مورد رأی‌گیری نسبت به عدم کفایت رئیس جمهور عنوان شده است در آنجا بدون اینکه بر رئیس جمهور تکلیف شده باشد چیزی از مجلس درخواست کند، وی را موظف کرده است که در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده در استیضاح نمایندگان توضیحات کافی بدهد و سپس بند ۲ مزبور مقرر می‌دارد: «... در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ۱ اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.»

رئیس جمهور مشروعیتهش و قوام و استواری سمتهش با مجلس نیست بلکه با احراز اکثریت آراء مردم و تنفیذ و امضاء مقام رهبری در این سمت تثبیت می‌شود و لذا درخواستی هم از مجلس برای خودش ندارد و اگر مجلس او را صالح و با

کفایت برای بقاء در این سمت نداند باید با حد نصاب اکثریتی که در بند ۲ اصل ۸۹ پیش‌بینی شده به این عدم صلاحیت رأی بدهد تا زمینه برکناری وی وسیله مقام رهبری فراهم گردد. اما وزراء مشروعیستان وقوامشان با رأی اعتماد مجلس است ولذا هرگاه بقاء این اعتماد مورد تردید قرار گیرد قانون اساسی تکلیف کرده که وزیر باید از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند تا معلوم شود در حال حاضر هم اعتماد مجلس را با خود دارد یا نه؟ اگر پس از درخواست رأی اعتماد تعداد اندکی به وزیر رأی اعتماد دهند و تعدادی هم رأی عدم اعتماد وعده‌ی زیادی هم با دادن رأی ممتنع نه اعتماد خود را ابراز دارند نه صریحاً عدم اعتماد خویش را اعلام نمایند آیا واقعاً می‌توان گفت این وزیر مورد اعتماد مجلس است و مجلس تقاضای او را مبنی بر رأی اعتماد برآورده کرده است؟ چگونه وزیری با تعدادی رأی منفی مبنی بر عدم اعتماد و تعداد زیادی رأی ممتنع که به هر حال نشان دهنده تردید نسبت به وجود اعتماد به او هست و تعداد قلیلی رأی اعتماد می‌تواند مورد اعتماد مجلس تلقی شود؟

آقای دکتر کاشانی نوشته‌اند اگر آراء ممتنع به حساب مخالفت با وزیر گذاشته شود به نتایج غیر منطقی منجر می‌شود و مثال می‌زنند که اگر فرضاً عده حاضر در مجلس ۲۰۰ نفر باشند و در پی یک استیضاح و رأی‌گیری تنها ۲ نفر از نمایندگان به مخالفت وزیر رأی دهند و ۱۹۸ رأی ممتنع و هیچ رأی موافق وجود نداشته باشد اگر قرار باشد آراء ممتنع را به حساب نیاوریم در این صورت وزیر مورد استیضاح به صرف اینکه دو نفر در مجلس با او مخالف بوده‌اند باید از سمت خود برکنار گردد و حال آنکه این وزیر قبلاً رأی موافق و اعتماد اکثریت مطلق نمایندگان مجلس را در اختیار داشته است.»^(۱)

این تعجب را در فرض مثال در نتیجه‌گیری مطابق نظر ایشان نیز می‌توان به نحو بارزتری ابراز داشت یعنی اینگونه می‌توان با موضوع برخورد کرد: وزیری که رأی اعتماد اکثریت مطلق مجلس را داشته و هم‌اکنون مورد استیضاح قرار گرفته و به حکم قانون اساسی (طبعاً برای تحکیم موقعیت خود) از مجلس رأی اعتماد خواسته است در یک جلسه ۲۰۰ نفری مجلس حتی یک نفر به او رأی اعتماد نداده است بلکه ۲ نفر صریحاً اعلام عدم اعتماد کرده‌اند و ۱۹۸ نفر هم مردد و دودل بوده‌اند و بهر حال نتوانستند اعتماد خود را ابراز دارند ولذا رأی ممتنع داده‌اند با این وصف این وزیر مورد اعتماد مجلس تلقی و در سمت وزارت باقی می‌ماند: آیا این امر با روح قانون اساسی سازگاری دارد و آیا واقعاً این

۱ - نقل از نامه مورخ ۲۶/۱۰/۶۹ آقای دکتر کاشانی به ریاست جمهوری ص ۶۵.

نتیجه‌گیری، منطقی است به‌راستی تعجب‌آور نیست که وزیری پس از درخواست رأی اعتماد از مجلس حتی یک رأی موافق بدست نیاورد و معذالک در سمت وزارت باقی بماند؟

آیا در همین فرض مثال اگر بگوئیم چنین وزیری چون پس از درخواست رأی اعتماد نتوانسته رأی اعتماد اکثریت مجلس را بدست آورد و مجلس ولو با دادن رأی ستمتبح به‌رحال اعتماد خود را به‌او ابراز نداشته باید برکنار شود تعجب برانگیز و غیر منتظره است یا اینکه بگوئیم این وزیر علیرغم نداشتن یک رأی موافق در مجلس و مواجه بودن با اکثریت عظیمی از نمایندگان که نمی‌دانند به او اعتماد کنند یا نه، در حکم کسی که رأی اعتماد را دارد تلقی و در سمت وزارت باقی بماند؟

به‌هرحال گذشته از مطلب فوق در اصل ۸۹ قانون اساسی تصریح شده که هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید از مجلس رأی اعتماد بخواهد. و ذیل بند ۱ اصل مزبور به صراحت می‌گوید: «اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود...».

با این تصریح چگونه می‌توان گفت وزیری که رأی اعتماد اکثریت مجلس را بدست نیاورده است در سمت خود باقی می‌ماند، طرفداران نظریه اول می‌گویند چون در برخی از اصول به‌جای رأی اعتماد تعبیر به «رأی عدم اعتماد» شده است باید آن را مقدم داشت و ملاک کنار رفتن وزیر را رأی عدم اعتماد دانست و به‌خصوص چون در اصل ۱۳۵ که در بازنگری سال ۱۳۶۸ تصویب شده آمده است: «وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند.» باید رأی عدم اعتماد را ملاک قرار داد و گفت این اصل در واقع ناسخ آن قسمت از بند ۱ اصل ۸۹ است که رأی اعتماد را مبنا و ملاک قرار می‌دهد. ولی در این خصوص هم بنظر می‌رسد با توضیحاتی که قبلاً داده شد که از نظر قانون اساسی وزراء باید اعتماد مجلس را باخود داشته باشند، در واقع دو تعبیر رأی اعتماد و رأی عدم اعتماد در قانون اساسی یک مفهوم دارند و منظور فقط تنوع در عبارت بوده است در حقیقت می‌توان گفت وزیری که درخواست رأی اعتماد کرده و مجلس رأی مثبت اعتماد به او نداده است مثل این است که به او رأی عدم اعتماد داده زیرا چنین وزیری مورد اعتماد مجلس تلقی نمی‌شود اگر شورای بازنگری واقعاً نظرش نسخ حکم بند ۱ اصل ۸۹ در مورد رأی اعتماد بود با توجه به اینکه خود این اصل به‌هر حال در شورای بازنگری مورد توجه و ملاحظه قرار گرفته

و یک بند به آن اضافه شده است و به مناسبت، اصل ۱۳۵ نیز مورد توجه قرار گرفته عبارت اصل ۸۹ اصلاح می‌شد. از مذاکرات مجلس شورای بازنگری هم برسی آید که اساساً رأی عدم اعتماد تعبیر دیگری از ندادن رأی اعتماد است و ترتیب خاصی در مورد رأی اعتماد در مقام استيضاح بجز آنچه در اصل ۸۹ آمده مورد نظر آن شورا نبوده است بعضی از اعضاء شورای بازنگری هم که به این ایراد و اشکالی که ممکن است پیش آید توجه کرده و تذکر داده‌اند سرانجام چون عبارت مناسبتری را نتوانستند پیدا کنند قانع شدند که همین عبارت با همان مفهوم عدم رأی اعتماد باقی بماند. (۱)

تعلیل و بررسی اصل ۱۳۵ قانون اساسی :

بعلاوه باید توجه داشت که موضوع اصل ۱۳۵ منحصر به مورد استيضاح نیست بلکه موارد درخواست رأی اعتماد را کلاً در برمی‌گیرد از جمله مواردی که درخواست رأی اعتماد می‌شود مورد ذیل اصل ۸۷ یعنی وقتی که در مسائل مهم و مورد اختلاف هیئت وزیران از مجلس رأی اعتماد می‌خواهد، یکی هم مورد ذیل اصل ۱۳۶ است که پس از عزل تعدادی از وزراء و نصب وزرای جدید و اخذ رأی اعتماد برای آنها اگر نیمی از هیأت وزیران تغییر کرده باشد باید مجدداً از مجلس درخواست رأی اعتماد کرد. لازمه برداشتی که طرفداران نظر اول از اصل ۱۳۵ دارند این است که اگر هیأت وزیران در دوران تصدی خود در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف از مجلس درخواست رأی اعتماد کرد و در مجلس کسی رأی اعتماد نداد بلکه چند نفری رأی عدم اعتماد دادند و بقیه هم رأی ممتنع دادند یا آنجا که به لحاظ تغییر بیش از نیمی از هیئت وزیران، از مجلس برای هیأت وزیران درخواست رأی اعتماد می‌شود و نتیجه رأی‌گیری همان وضع فوق‌الذکر است باید هیأت وزیران را مورد اعتماد مجلس تلقی نمود و برادامه کارش صحه گذاشت، آیا واقعاً این نتیجه منطقی است؟ حقیقت این است که وقتی در شورای بازنگری این اصل تنظیم شد هدف صرفاً اعلام این مطلب بود که وزراء تا وقتی به لحاظ استيضاح یا موجبات دیگر درخواست رأی اعتماد، با عدم اعتماد مجلس مواجه نشدند در سمت خود باقی هستند و اصل مطلب هم برای رساندن این منظور بود که به صرف تغییر مجلس اخذ رأی اعتماد برای دولت لازم نیست مگر اینکه یکی از موجبات درخواست رأی اعتماد وجود داشته باشد و

۱ - اشاره به اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در شورای بازنگری که در صفحات آینده به آن خواهیم پرداخت .

بدین مناسبت مجلس وارد رأی اعتماد شود عبارتی که در شورای بازنگری به عنوان اصل ۱۳۵ تصویب و برای تنظیم نهایی به کمیسیون پنجم موضوع ماده ۲۷ آئین نامه داخلی شورای بازنگری قانون اساسی که حقوقدانهای شورای نگهبان هم عضو آن بودند فرستاده شد چنین بود: «وزراء تازمانی که عزل یا استیضاح نشده اند در سمت خود باقی می مانند . . .» در کمیسیون مزبور از لحاظ عبارت بر این اصل تنظیمی ایراد گرفته شد که اولاً صراحت در هدف مورد نظر ندارد چون با تصویب این اصل بازهم ممکن است این تردید وجود داشته باشد که با تغییر مجلس باید برای هیأت دولت رأی اعتماد گرفت یا خیر؟ و اگر منظور این است که تغییر مجلس مستلزم اخذ رأی اعتماد برای هیأت دولت نیست باید این امر تصریح شود تا شبهه‌ای پیش نیاید مطلب دیگر اینکه مطابق ظاهر این عبارت اگر وزراء استیضاح شوند ممکن است بصرف همین استیضاح در سمت خود باقی نمانند در حالی که کنار رفتن وزراء در پی استیضاح پس از درخواست رأی اعتماد و اعلام رأی مجلس است بعلاوه موارد درخواست رأی اعتماد و احیاناً رأی اعتماد ندادن مجلس و کنار رفتن وزراء منحصر به مورد استیضاح نیست . با توجه به مراتب فوق پیشنهاد شد، عبارت به گونه‌ای تنظیم شود که این منظورها را برآورده کند .

در خصوص قسمت اول شورای بازنگری در جلسه خود تصویب کرد که در اصل ۱۳۳ این عبارت گنجانده شود: « . . . با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست . . . »^(۱)

و در خصوص اشکال دوم همین عبارت فعلی اصل ۱۳۵ پیشنهاد شد و مورد تصویب جلسه شورای بازنگری قرار گرفت. نه در جلسه کمیسیون پنجم و نه در شورای بازنگری مطلبی حاکی از تغییر ترتیب رأی اعتماد در مورد استیضاح و متفاوت بودن آن با موارد دیگر به چشم نمی خورد و ظاهر این است که جز اختلاف در تعبیر، چیز دیگری مورد نظر نبوده است . تنها آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه شورای بازنگری به این اختلاف در تعبیر توجه کرده اند و دو سه مرتبه نظر شورا را به این معنی جلب کرده اند ولی سرانجام با این توجیه که این عبارت اصطلاح شده قبلاً هم بوده و منظور یکی است شورا از آن گذشته است و عبارت را تصویب نموده .

حال برای روشن تر شدن مطلب قسمتهایی از مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی در ارتباط با این مطلب نقل می شود :

۱ - رجوع شود به شرح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جلسه ۳۹ ص ۳۱ .

«مشئی - اصل ۱۳۵ - وزراء تا زمانی که عزل یا استیضاح نشده‌اند در سمت خود باقی می‌مانند استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت ۳ ماه سرپرست تعیین نماید.»

در اینجا دو تا بحث هست یک بحثی است که برمی‌گردد به شورا که باید شورا در مورد اصل مصوبه تصمیم بگیرد.

ویکی هم نکته‌ای که در خصوص عبارت هست اینجا که گفته: « وزراء تا زمانی که عزل یا استیضاح نشده‌اند.» استیضاح به این ترتیب که با یک کلمه آمده این معنا را احتمالاً خواهد رساند که به معض اینکه استیضاح شدند یعنی به معض اینکه تقاضای استیضاح‌شان در مجلس مطرح شد دیگر یک چنین حالتی پیدامی‌کنند یعنی در حالت متزلزل قرار می‌گیرند این اصل در موردشان حکومت پیدامی‌کند یکی این.

و یکی دیگر اینکه ما در ۳ اصل ۸۷ - ۸۹ و ۱۳۶ سه مورد رأی اعتماد داریم. یعنی موردی که خود دولت در موارد مهم تقاضای رأی اعتماد می‌کند مورد دیگری که پس از استیضاح رأی اعتماد می‌گیرد و مورد سومی که هرگاه نیمی از وزراء تغییر کردند باید رأی اعتماد بگیرد.

پس علاوه بر مفهوم استیضاح ما دوجا حداقل رأی اعتماد داریم که در این اصل نیامده، بنابراین پیشنهاد ما این است که جمله به این ترتیب تغییر بکند که: « وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا برائر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند» این مطلبی است که ما از لحاظ این ابهامی که در استیضاح بوده یا ابهامی که بوده خواسته‌ایم که اصلاحش بکنیم این اصلاح اگر تصویب شد من مطلب بعدی را عرض می‌کنم.

جلسه سی و نهم

نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - این نکته‌ای که آقایان

گفتند که بر اثر «استيضاح» اینها برکنار نشوند البته استيضاح هم مؤثر است یعنی استيضاحی که او به مجلس رفته و رأی نیاورده منظور این است . صرف استيضاح نیست همین که اینجا گذاشتید درست است . منتها من فکر می‌کنم یک ضعف ادبی اینجا هست که این باید یک جوری حل بشود تا زمانی که به آنها رأی عدم اعتماد نداده است . . .

منشی (یزدی) - نه، چون پس از استيضاح او از مجلس درخواست رأی اعتماد می‌کند اگر رأی اعتماد به او داد که داداگر رأی اعتماد نداد آن وقت دیگر مسأله است. پس تا وقتی رأی عدم اعتماد نداده . . .
نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - این را که من می‌دانم شما حرف من را توجه نفرمودید طبع تعبیر این نیست که رأی عدم اعتماد داده، رأی اعتماد نداده، عبارت را باید به گونه‌ای درست بکنیم چون این عبارت درست نیست ،

مهدی کروی - خوب عدم اعتماد هم خودش رأی است .
نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - نه آنجور نیست آن را که تقاضا می‌کنند رأی اعتماد است، آنکه داده نمی‌شود رأی داده نشد .
احمد جنتی - آقای یزدی یک پیشنهادی دارم .
نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - من حرفی ندارم آنجا اگر بوده عبارت درست نیست. عبارت را باید بگوئیم رأی اعتماد نیاورده.
عبدالله نوری - حاج آقا این را اضافه کردیم .
نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - بله اینجا اضافه کردیم .
جنتی - آقای هاشمی من پیشنهاد می‌کنم که «یا اعلام عدم اعتماد نکرده است» .

نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - نه ، رأی اعتماد نیاورده است منظور این است . منظور این است که رأی اعتماد نیاوردند .
جنتی - خوب اعلام عدم اعتماد کند همین معنا را می‌رساند .
نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - اعلام عدم اعتماد نیست .
منشی (یزدی) - در مجلس اعلام یک مفهوم دیگر دارد .
نوری - جناب آقای هاشمی این یک سطر اول دیگر اضافه است .
نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - قبول دارم شما حالا برگشتید آنجا، فعلا روی این رأی عدم اعتماد داریم بحث می‌کنیم .

نوری - نه عرض می‌کنم کل این یک سطر اضافه است دیگر اصلاً بحث عدم اعتماد و استیضاح و اینها دیگر لازم نیست چون اصول مربوطه‌اش را آوردیم این یک سطر را آورده بودیم برای اینکه پرهیز از آن جمله‌ای که الان تصویب کردیم داشته باشیم . الان که تصویب شد کل این یک سطر دیگر نیست می‌آید استعفاء هیأت وزیران یا هریک از آنان به رئیس‌جمهور تسلیم می‌شود آخرالی . . . آن اولی را دیگر هیچ لزومی ندارد بیاوریم . چون اصول مربوطه‌اش را

۰۰۰ و ۱۳۶ و ۱۳۳، ۸۹، ۸۷

بهرحال پس از تصویب اصل ۱۳۳ و گنجاندن عبارت: «با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست . . .» بحث شد که عبارت صدر اصل ۱۳۵ لازم است یا خیر وعده‌ای می‌گفتند دیگر نیازی به وجود آن نیست و پیشنهاد شد عبارت: «وزراء تا زمانی که عزل یا استیضاح نشده‌اند در سمت خود باقی می‌مانند . . .» از اصل ۱۳۵ حذف شود که رأی نیامد وقتی قرار شد مطرح شود اشکال عبارتی متن تهیه شده در شورای بازنگری و پیشنهادی که کمیسیون شماره ۵ داده بود بدین شرح مورد مذاکره قرار گرفت:

«محمد مومن - در کمیسیون راجع به این عبارت صحبت شد که «وزراء تا زمانی که عزل یا استیضاح نشده‌اند در سمت خود باقی می‌مانند» این عبارت با توجه به اصول دیگر قانون اساسی اصلاً درست نیست یعنی دو تا اشکال دارد جناب آقای دکتر حبیبی هم به‌طور اجمال فرمودند .

یکی اینکه خود استیضاح را ملاک کانه کنار رفتن گرفته است که درست نیست و دیگر اینکه خوب گفته است «تا استیضاح نشده در سمت خود باقی است.»

در صورتی که به مقتضای اصل یکصد و سی و ششم وقتی نمی‌تواند از اعضای هیأت وزیران تغییر بکند باید مجدداً تقاضای رأی اعتماد کند آنجا که باید از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند اگر مجلس به آن رأی اعتماد نداد از سمت خود کنار می‌رود. این نه‌با مفهومش بلکه با منطوقش منافات دارد چون گفته تا استیضاح نشده در سمتش باقی است در صورتی که آنجا از سمتش کنار می‌رود یا اگر ابتدائاً طبق اصل هشتاد و هفتم خودش آمد برای محکم کاری تقاضای رأی اعتماد کرد و به دنبال او رأی نیامد باز باید کنار برود .

در صورتیکه مقتضای اطلاق این عبارت این است که تا استیضاح یا عزل نشده در سمت خودش باقی می ماند روی این جهت کمیسیون عبارت را طوری خواست تنظیم بکند که آن موارد را هم بگیرد با آن دو اصول دیگر منافات نداشته باشد که تنها ابهام استیضاح نشده اند نبود بلکه آن مواردی را هم که تقاضای رأی اعتماد کرده و رأی اعتماد نیاورده آنجا هم از سمت خود کنار می رود با اینکه این اصل می گوید از سمت کنار نمی رود . برای اینکه تناقض هم به عبارت دیگر از بین برود این پیشنهاد را ذکر کردیم .

نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - حالا آن تعبیر رأی عدم اعتماد را چه بنویسیم ؟

یکی از اعضاء - اصل هشتم و هفتم نمی خواهد بگوید رأی اعتماد داده بشود، رأی عدم اعتماد داده نشود .

نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - آخر رأی به عدم اعتماد که نمی دهند . پس آقایان توجه بکنید پیشنهاد اصلاحیه کمیسیون را می خواهیم به رأی بگذاریم .

طاهری خرم آبادی - رأی اعتماد پس چه شد ؟

نایب رئیس (هاشمی رفسنجانی) - گفتند اصطلاح شده . اینها چون در قانون اساسی قبلی هم همین جور بوده این اصطلاح را قبول کردیم . آقایانی که با این اصلاح عبارتی کمیسیون موافق هستند رأی بدهند . (اکثریت رأی دادند) تصویب شد .

از مجموع این مذاکرات بخوبی فهمیده می شود که شورای بازنگری به هیچوجه در مقام نسخ ذیل بند ۱ اصل ۸۶ قانون اساسی در مورد رأی اعتماد به وزراء یا وزیر مورد استیضاح نبوده و اساساً بین رأی گیری در این خصوص و در موارد دیگری که تقاضای رأی اعتماد می شود تفاوتی قائل نبوده است . و در واقع بدست نیاوردن رأی اعتماد همان معنای عدم اعتماد مجلس را دارد و هر جا که رأی گیری در مورد درخواست رأی اعتماد مطرح است، رأی اعتماد اکثریت مجلس است که می تواند کارساز و تعیین کننده باشد و وزیر را در سمت خود باقی نگه دارد ذیل ماده ۱۴۳ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز که می گوید :

« . . . مناط اعتبار، رأی اعتماد اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر صاحب رأی است . » هر چند در مقام بیان چگونگی رأی اعتماد به هیأت وزیران پس از معرفی رئیس جمهور انشای شده ولی خصوصیتی نسبت به رأی اعتماد اولیه ندارد و دلالتی

براین ندارد که در هنگام درخواست رأی اعتماد پس از استیضاح، این اکثریت مناسبت نیست بلکه حکم این ماده که نحوه اخذ رأی اعتماد را بیان نموده در مورد استیضاح نیز صادق است. علاوه بر همه اینها رعایت اصول دموکراسی و اهمیت دادن به آراء مستقیم و غیر مستقیم مردم در اداره امور و احترام شان مجلس که قویاً مورد نظر قانون اساسی است و پرهیز از اعمال رعب و وحشت و جو فشار و زور از سوی قوه مجریه که می تواند در افزایش آراء ممتنع و عدم موضعگیری صریح نمایندگان مؤثر باشد اقتضاء می کند رأی مثبت اکثریت نمایندگان را شرط بقاء وزیر مورد استیضاح در سمت خود دانست و در نظر داشت که اگر مجلس قدرت و اختیارات زیاد هم داشته باشد هر چند ممکن است، گاه انجام کارها را دچار رکود نماید و موجب بی ثباتی و آمد و رفت دولتها شود ولی به دیکتاتوری منتهی نمی گردد اما هر گونه تعبیری که مجلس را تضعیف و قدرت و اختیار قوه مجریه را افزایش دهد همواره ترس منتهی شدن به دیکتاتوری و کم رنگ شدن دموکراسی را در پی خواهد داشت.

آنچه در این مقال آمد بررسی نظری دو نوع برداشت و استنباط از اصول قانون اساسی در رابطه با رأی اعتماد بود و سعی شد عمده نقطه نظرات طرفین که ای بسا در بحثهای شورای نگهبان هم آمده است تبیین گردد. البته از لحاظ قانونی میزان و ملاک همان رأی اکثریت شورای نگهبان است که به عنوان نظر تفسیری اعلام شده و برطبق آن باید عمل گردد.